

# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	محل: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نیم سال اول ۹۵-۹۶

پایه پنجم ۵ ساله  
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد استان:	۲۹۵۱/۲۴
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۵
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثانية - ابروایی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸

۰/۵

- الف. مکلف به - براءة ☐  
ب. مکلف به - اشتغال ☐  
ج. تکلیف - اشتغال ☐  
د. تکلیف - براءة ☒

۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه امری است؟ ص ۲۴۷

۰/۵

- الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء ☐  
ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعی ☒  
ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف ☐  
د. حکومت قاعده عسر و حرج ☐

۳- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲

۰/۵

- الف. مرجعية الحالة السابقة ☒  
ب. الحكم ببقاء ما كان ☐  
ج. اليقين بالحدوث ☐  
د. الشك في البقاء ☐

۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۵۳

۰/۵

- الف. قاعده مقتضی و مانع ☐  
ب. اصل استصحاب ☐  
ج. اصل اشتغال ☐  
د. قاعده یقین ☒

۵- مثال «یقین داریم آب گر سابق، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهر از گر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟

۰/۵

- الف. شک در تقدم و تأخر ☒  
ب. شک در تدریجیات ☐  
ج. مجهولی التاریخ ☐  
د. توارد حالتین ☐

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الركعة الثانية يعيد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱

۰/۵

- الف. ورود ☐  
ب. تقیید ☐  
ج. حکومت ☒  
د. تخصیص ☐

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (الطلاق: ۷) بر براءة را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین

۲

نماید. ص ۲۲۴ - ۲ نمره

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالى و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالى بثبوت التكاليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (ره) از اشكال را بنويسيد. ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۲ نمره

جواب: اشكال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۱ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطالان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البرائة فى كل اطراف العلم الاجمالى، لأنها ترخیص فى المخالفة القطعية.» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصل بین أن یكون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین كونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشكال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک تعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می‌گیرد به شرط ایمان در رقبه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واجب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود. زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشكال شهید: هر چند مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقیید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه است. و از آن جهت که تقیید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید، نسبت به آن برائت جاری می‌شود.

۱۲- با توجه به صحیحة «قلت له الرجل ینام و هو على وضوء .....» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۵۹ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه على یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. (۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فى الشبهة الحكمية اذا كان الموضوع باقياً بكامل قيوده فلا يمكن طرو الشك فى البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشكال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیة» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: اشكال: در شبهات حکمیة اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة تقییدیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیة تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول متفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۵/۰ نمره)